



گفت‌وگوی
روزنامه صبا
با عباس شکوری
کارگردان فیلم کوتاه
«یادداشت‌های
زیرزمینی»

نگاه قاضی به بن‌بست‌های حقوقی از دریچه سینما

واقعی موجود در پرونده بود. لذا نام و آوازه‌ی چنین اسطوره‌ای، تاثیر زیادی برای اهداف اصلاحی ما داشت. اساساً ما جمع شدیم تا بتوانیم یک مسیر کمک به کودکان گرفتار در پرونده‌های مشابه را به جریان بیندازیم.

○ در تجربه فیلمبرداری و پس تولید با چه ملاحظاتی روبه‌رو بودید که مخصوص یک اثر کوتاه با موضوع حقوقی و فلسفی بود؟

بزرگترین چالش فیلم کوتاه، گرفتاری کارگردان در اندک بودن سرمایه، و محدوده به شدت تنگ زمان فیلمبرداری و بروکرسی‌های بی‌انتهاست. درست است که این مسائل در تمام تولیدات وجود دارد ولی در فیلم کوتاه که بحث بازگشت سرمایه مطرح نیست، این مشکلات، چندین برابر کارگردان را از تمرکز خارج می‌کند. بروکرسی‌ها نیز با توجه به واقعی بودن پرونده و لوکیشن، بیشتر از فیلم‌های معمولی بود.

○ آیا در فرایند تدوین یا طراحی صدا و موسیقی تلاش داشتید پیچیدگی‌های ذهنی شخصیت‌ها را نیز بازتاب دهید؟

بله. در قسمتی از فیلم حتی با تدوین سعی کردیم به شکل کلاژگونه برای این مفهوم تلاش کنیم. در موسیقی و طراحی صدا به ویژه صدای ثانیه شمار ساعت با صدای ضرب خودنویس قاضی، تلاش بر این خلاقیت‌ها کردیم. این فیلم چه تاثیری بر مسیر حرفه‌ای خودتان داشته و آیا در مسیر بعدی قصد گسترش چنین موضوعات اجتماعی-حقوقی را در آثار بلند دارید؟ اغلب فیلمسازان فیلم کوتاه، همیشه به دنبال فرصت ساخت ایده‌های بلند خود هستند. علت ساخته نشدن فیلم‌های بلند ما، تصمیم نگرفتن ما نیست. بلکه نبودن سرمایه، عدم اعتماد تهیه‌کنندگان، ذائقه کم‌پسند عموم تماشاچیان و شفاف نبودن مسیر تولید فیلم بلند است.

○ این فیلم چه نسبتی با مسیر حرفه‌ای شما دارد؟ ادامه‌ی یک دغدغه است یا شروع یک مسیر تازه؟

من سالهاست که از روی پرونده‌هایم فیلم می‌سازم. قطعاً این فیلم، در ادامه‌ی همان مسیر است.

○ فکر می‌کنید «یادداشت‌های زیرزمینی» بیش از همه با چه نوع مخاطبی ارتباط برقرار می‌کند؟

فیلم نه تنها یک معضل انسانی اخلاقی را مطرح کرده بلکه تلاش کرده با خلاقیت در فرم، در عرصه‌ی هنر فیلمسازی هم کار جدیدی باشد. لذا امیدوارم که هم برای حقوقدانان و هم مخاطب هنری و هم مخاطب غیرهنری کنج‌کاوی برانگیز باشد.

«یادداشت‌های زیرزمینی» نه فقط یک فیلم کوتاه تجربی، که بازخوانی یک بن‌بست خطرناک حقوقی است؛ اثری برآمده از یک پرونده‌ی واقعی، ساخته‌ی قاضی‌ای که سینما را به ابزار طرح معضل بدل کرده و با تکیه بر داستایفسکی، وجدان، قانون و مسئولیت اجتماعی را در دادگاهی واقعی به تصویر کشیده است. خبرنگار صبا به بهانه نمایش این فیلم در جشنواره ۴۴ فیلم فجر با عباس شکوری کارگردان این فیلم کوتاه گفت‌وگو کرده است که در ادامه می‌خوانید.

معصومه دهقان
گفت‌وگو

اصلی باقی می‌ماند. لذا وقتی هدف استفاده از سینما برای بیان یک معضل خاص است، اتفاقاً اضافه‌گویی می‌تواند باعث جابجایی هدف و وسیله شود. **○ با توجه به فرم کوتاه و تراکم موضوع، چگونه میان نمایش جنبه‌های درونی قضاوت، وجدان و مسئولیت اجتماعی تعادل برقرار کردید؟**

اتفاقاً با تراکم موضوع مواجه نبودیم. و سعی کردیم گرفتار این مشکل هم نشویم. دنبال یک توصیف سراسر است بودیم. می‌خواستیم یک مشکل را به تصویر بکشیم تا مسیر تلاش‌های فراهنی برای بررسی‌اش آغاز شود. از روزی که این فیلم ساخته شده، تا کنون آکران‌های تخصصی حقوقی جالبی انجام گرفته، و گفتگو برای یافتن راهکار حل مشکل موجود در پرونده‌ی موضوع فیلم، به شدت در حال پیگیری است. برای تعادل بین معضل حقوقی و چلنج روحی قاضی نیز، داستایوفسکی به کمکمان آمد. بدون کمک گرفتن از رمان مجبور به طولانی کردن مدت زمان فیلم می‌شدیم که نه تنها سرمایه‌اش را نداشتیم بلکه شاید مشکل حقوقی اصلی هم در این افزایش زمان، کم رنگ می‌شد.

○ فیلم برای مخاطب امروز چقدر در لایه‌های فلسفی و حقوقی قابل تفسیر است؟ آیا قصد داشتید از فرم تجربی استفاده کنید تا این لایه‌ها به صورت غیرمستقیم منتقل شود؟

همانطور که گفتم، اتفاقاً فیلم به شدت برای مخاطب امروز کشورمان است. موضوع فیلم یک بن‌بست عرفی قانونی اخلاقی است که بدون حل کردنش، سرنوشت یک جمعیت خاص از اعضای جامعه، تباه می‌شود. دقیقاً، تجربه‌ی ترکیب رمان ادبی و پرونده‌ی واقعی، هم مشکل پرونده را توصیف کرده و هم عمق وجدانی و فلسفی به فیلم بخشیده.

○ با توجه به انتخاب بازیگران شناخته‌شده مانند رضا کیانیان، نقش تجارب اجرایی آن‌ها در انتقال پیچیدگی‌های دراماتیک فیلم چه بوده است؟ گروه به خصوص آقای کیانیان، بیشتر به دنبال مطرح کردن معضل

○ فیلم شما بر اساس پرونده‌های واقعی قضایی ساخته شده است و شما خودتان در دادگاه کیفری قاضی هستید. چطور تجربه قضایی‌تان به شکل ملموس در فرم و روایت این اثر تاثیر گذاشت؟

فیلم بر اساس یک پرونده خاص است. اساساً فیلم را برای توصیف یک بن‌بست خطرناک قضائی ساخته‌ام. تا حقوقدانان، با مورد استناد قراردادن آن، راهکار قضائی یا قانونی برای جلوگیری از اتفاق غم‌انگیزی که در فیلم رخ می‌دهد، جستجو کنند. همچنین فیلم از معدود فیلم‌هایی است که در لوکیشن یک دادگاه واقعی ساخته شده است.

○ عنوان «یادداشت‌های زیرزمینی» شباهت آشکاری با رمان کلاسیک دارد؛ چه رابطه یا ارجاعی میان فیلم و ادبیات داستایفسکی وجود دارد و این تأثیر چگونه در ساختار فیلم نمایان شده؟

ارتباط فیلم ما با رمان یادداشت‌ها، فراتر از یک عنوان است. فیلم مملو از نریشن است و نریشن‌ها، عین عبارات کتاب است. علت هم توصیف یکسانی دغدغه‌های روانی کاراکتر رمان با کاراکتر فیلم بود. این یک انتخاب برای هرچه پخته‌تر کردن کاراکتر قاضی‌مان بود. شاید بتوان گفت ما از رمان، به عنوان کاتالیزور استفاده کردیم. دوستانی که رمان را خوانده‌اند، بدون معطلی پیچیدگی‌های کاراکتر قاضی و دغدغه‌هایش را در خواهند یافت.

○ شما در مصاحبه‌ها اشاره کرده‌اید هدف‌تان این بوده که با سینما مشکلات قانونی و ساختارهای حقوقی را هنری و قابل لمس مطرح کنید؛ چگونه سینمای کوتاه این کارکرد را در برابر سینمای بلند انجام می‌دهد؟

من انبوهی فیلم کوتاه و نیمه بلند ساخته‌ام. و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ام که اتفاقاً وقتی هدف، توصیف یک معضل است، نه یافتن راهکار، مدیوم فیلم کوتاه برای بیانش از فیلم بلند مناسب‌تر است. برای ساختن یک فیلم بلند، گره اصلی معمولاً در انبوهی خرده داستان دیگر کم رنگ می‌شود. اما در فیلم کوتاه، از ابتدا تا انتها، توجه مخاطب حول همان موضوع

